

زندگی جدید در مسیح

مشکل رنج و تهی دستی

درس 13

چرا خدا اجازه رنج میدهد؟

این یک سوال متداول است، که یکی از شاگردان خداوند عیسی مسیح ممکن است در زندگی با آن روبرو شود. ما میبینیم که مردم در خیلی از نقاط جهان دچار رنج می شوند و غیرمومنان به ما میگویند این اثبات نبود خداست و یا خدایی که توجه نمی کند- اگر او توجه می کرد و ان اهمیت می داد از این رنج ها جلوگیری می کرد.

پیام کتاب مقدس این است که خدا اهمیت می دهد و مراقبت می کند.

'زیرا خدا جهان را آنقدر محبت کرد که پسر یگانه خود را داد تا هر که به او ایمان آورد هلاک نگردد، بلکه حیات جاویدان یابد'. (یوحنا 3: 16).

عیسی تنها پسر خداست، پسر محبوب او. خداوند آنقدر از دنیا مراقبت (محبت) می کند که خواست فرزند گرانباهش را برای از بین بردن گناهان ما بر روی صلیب برود.

با این حال، عدالت خدا به معنای این است که او به راحتی گناه را نادیده نمی گیرد و بدون مجازات رها نمی کند. بعد از گناه آدم و حوا، خدا به آنها گفت که خواهند ماند و زندگی سختی خواهند داشت. آدم برای غذا دادن به خانواده خود تلاش می کند، زمین نفرین و تولید مواد غذایی سخت تر می شود؛ و حوا در فرزندآوری مشکل پیدا می کند. زمانی که او این چیزها را به آنها گفت؛ و یهوه خدا فرمود:

"همچون یکی از ما شده که خوب و بد را می شناسند" (پیدایش 3: 22).

شر به معنای دردسر یا چیزهای بد است. بعضی وقتا به خاطر نتیجه گناهان مردان و زنان و بعضی وقتا مستقیماً از طرف خدا (اشعیا 45: 7). شری که خداوند برای آدم و حوا ابد برای همه از طریق آنها آمد، که به عنوان رنج تجربه می کنند. از آن تغییر خداوند عواقب گناه را به مردم یادآوری می کند. چرا خدا این کارها را می کنند، ما متوجه می شویم مثالی از نامه ی ایوب در این درس.

با این حال، همه بدی ها از جانب خدا حاصل نمی‌شود. و شریعت قوانین خدا را رها کرده و در زندگی ما رنج می‌کشیم و آن عواقب اعمال ما و اجدادمان است.

- جنگها به دلیل غرور و هوس انسان به قدرت آغاز می‌شود (یعقوب 4: 1).
- بسیاری از بیماری‌ها نتیجه رفتار ما هستند، برای مثال
 - i) بیماری‌های ما نتیجه رفتار فاسد ماست
 - ii) سرطان ریه بر اثر سیگار کشیدن
 - iii) آب آلوده دلیل اسهال خونی و وبا است
 - iv) یکی از دلایل عمده صرع در آفریقا، خوردن گوشت خوک آلوده به کرم انگلی است. در قانون موسی خوردن گوشت خوک به خاطر ضررهایش ممنوع بود.
- عدم بارندگی در خیلی از کشورها به دلیل قطع درختان و آلودگی هوا توسط کشورهای غربی است.

ما نمی‌توانیم خدا را به خاطر رنج‌هایی که از بابت این کارها ایجاد شده است مقصر بدانیم. او اراده‌ی آزادانه به بشر داده و اگر ما از آن برای آسیب رساندن به خودمان استفاده کنیم خدا آن را تا زمان فرستادن پسرش تحمل می‌کند تا بار دیگر زمین را خیلی خوب کند.

در گذشته، خدا از چنین جهالتی چشم می‌پوشید. اما اکنون به همهٔ مردمان در هر جا حکم می‌کند که توبه کنند.

زیرا روزی را مقرر کرده که در آن به واسطهٔ مردی که تعیین کرده است، جهان را عادلانه دآوری خواهد کرد، و با برخیزانیدنش از مردگان، همه را از این امر مطمئن ساخته است. (اعمال 17: 30 و 31)

مثالی از خداوند عیسی

در انجیل در بسیاری از موارد دلسوزی عیسی مسیح را درباره مردم می‌خوانیم. کتاب مقدس از یک کلمه‌ی عجیب برای نشان دادن اینکه این احساس از اعماق وجود او ناشی می‌شود استفاده می‌کند، به طوری که زمانی که احساس دلسوزی شدید می‌کرد از ظاهر جسمانی او پیدا بود. این زبان فقط برای عیسی در عهد جدید استفاده شده است، یا توسط او در یک مثال، انگار این احساس تمایل کمک به دیگران در عیسی از هر کس دیگری قوی‌تر بود. ما این اندیشه را در این دو بخش می‌بینیم:

و چون انبوه جماعتها را دید، دلش بر حال آنان سوخت زیرا همچون گوسفندانی بی‌شبان، پریشانحال و درمانده بودند. (متی 9: 36).

'زیرا کاهن اعظم ما چنان نیست که نتواند با ضعفهای ما همدردی کند، بلکه کسی است که از هر حیث همچون ما وسوسه شده است،... (عبرانیان 4: 15).

خداوند (عیسی) مشکلات ما را درک و احساس می‌کند برای اینکه او خود نیز مانند ما وسوسه شد. این درک، از نقاط ضعف و مشکلات ما در دلسوزی او نشان داده شده است؛ که واقعاً می‌خواست به مردمی که رنج می‌کشیدند و به قدرت شفابخشی او نیاز داشتند یا بدون غذا و گرسنه بودند کمک کند. ما می‌دانیم قدرت روح القدس بدون محدودیتی به عیسی مسیح داده شده بود، او می‌توانست هر کاری بکند از جمله گرفتن تمام پادشاهی‌های جهان، اگر می‌خواست. با این وجود او با وسوسه‌ی استفاده از قدرتش برای انجام این کار مقاومت کرد حتی به نظر می‌رسد برخی از افراد بیمار و نیازمند هم که برای کمک گرفتن نظرش آمدن شفای معجزه آسا دریافت نکردند.

'شامگاهان، پس از غروب آفتاب، همهٔ بیماران و دیوزدگان را نزد عیسی آوردند.

مردمان شهر همگی در برابر درِ گرد آمده بودند!

عیسی بسیاری را که به بیماریهای گوناگون دچار بودند، شفا داد و نیز دیوهای بسیاری را بیرون راند، اما نگذاشت دیوها سخنی بگویند، زیرا او را می‌شناختند.

بامدادان که هوا هنوز تاریک بود، عیسی برخاست و خانه را ترک کرده، به خلوتگاهی رفت و در آنجا به دعا مشغول شد.

شمعون و همراهانش به جستجوی او پرداختند.

چون او را یافتند، به وی گفتند: «همه در جستجوی تو هستند!»

عیسی ایشان را گفت: «ببایید به روستاهای مجاور برویم تا در آنجا نیز موعظه کنم، زیرا برای همین آمده‌ام. (مرقس 32-38): 1

مرقس به صورت روشن به ما می‌گوید همه کسانی که در شهر مریض بودند به طرف عیسی رفتند ولی به نظر می‌آید او زمان شفا دادن به همه در آن روز را نداشت. و فردای آن روز او تصمیم گرفت به شهر برای شفا دادن بقیه مردم برنگردد بلکه به شهر بعدی برای موعظه‌ی خبر خوش برود. او متوجه شده بود که نمی‌تواند از راه از قدرت معجزه، برای آسایش و از بین بردن رنج‌های همه مردم اطرافش برای همیشه و به طور کامل استفاده کند. تنها راه حل مشکل، در تحقق پیام خبر خوش، که خدا فرزندش را فرستاده برای از بین بردن گناه جهان و با بخشیدن گناهان راه حل دائمی برای مشکل رنج به وجود آید.

علاوه بر این بخشش گناهان از طریق زندگی بی نقص و مرگ مسیح اتفاق افتاد. و گفتیم این انسان بدون گناه در رسیدن به این هدف برای ما رنج کشید.

'بهجا بود خدا که همه چیز برای او و به واسطه او وجود دارد، برای اینکه پسران بسیار را به جلال برساند، قهرمان نجات ایشان را از راه تحمل رنج، کامل گرداند'. (عبرانیان 2: 10).

'هرچند پسر بود، با رنجی که کشید اطاعت را آموخت'. (عبرانیان 5: 8).

با توجه به ملاحظات عیسی، نکات بسیار مهم بسیاری در مورد مسئله رنج آموخته ایم.

1. عیسی مسیح مشکلات مردم را درک می‌کند و احساس عمیقی برای آنان که رنج می‌کشند دارد. او مانند پدرش به شاگردانش اهمیت می‌دهد.

2. گرچه او خیلی از مردم را با قدرت روح القدس شفا داد، او قادر نبود به طور کامل رنج‌ها را از این طریق دور کند. ما قدرتی عیسی را وقتی که به مردم کمک می‌کنیم نداریم، همچنین ما نمی‌توانیم مشکلات مشکلاتشان را به طور کامل حل کنیم.

3. عیسی فهمید که گناه عامل رنج است، نه لزوماً گناه کسی که رنج می‌برد (یوحنا 9: 1-3). اما از آن راهی که گناه وارد جهان شد و برای بشریت از آن زمان وجود داشته است.

پس، همان‌گونه که گناه به واسطه یک انسان وارد جهان شد، و به واسطه گناه، مرگ آمد، و بدین‌سان مرگ دامنگیر همه آدمیان گردید، از آنجا که همه گناه کردند. (رومیان 5: 12).

همچنین او متوجه شد که تنها راهی که رنج کاملاً می‌تواند از دنیا پاک شود از طریق زندگی او و مرگ بر روی صلیب برای بخشش گناهان است.

4. رنج ای‌سی در رشد شخصیت او کمک کرد، به وسیله یاد گرفتن و عمل کردن به فرمان خدا.

این نکته آخر به ما کمک می‌کند که چگونه در زندگی خود رنج را درک کنیم. مشکلات برای همه زنان و مردان به وجود می‌آید چه شاگردان ایثار باشند چه نباشند.

'و باز دیدیم که زیر آفتاب، مسابقه از آن تیزروان نیست و نه جنگ از آن نیرومندان و نه نان برای حکیمان، و نه ثروت برای فهیمان و نه نظر لطف برای عالمان، بلکه در همگی دست زمان و حادثه در کار است'. (جامعه 9: 11).

نکته مهم این است که ما مشکلاتی که بر ایمان اتفاق می‌افتد را درک کنیم. کتاب مقدس از ما می‌خواهد که رنج‌ها را به عنوان شکلی از تادیب خدا قبول کنیم.

'و آن سخن تشویق‌آمیز را از یاد برده‌اید که شما را پسران خطاب کرده، می‌گوید: «ای پسر، تأدیب خداوند را خوار بشمار، و چون توبیخت کند، دل‌سرد مشو.

زیرا خداوند آنان را که دوست می‌دارد، تأدیب می‌کند، و هر فرزند خود را که می‌پذیرد، تنبیه می‌نماید.»

سختیها را به منزله تأدیب تحمل کنید؛ خدا با شما همچون پسران رفتار می‌کند. زیرا کدام پسر است که پدرش او را تأدیب نکند؟

اگر شما تأدیب نشده‌اید، در حالی که همه از آن سهمی داشته‌اند، پس حرامزاده‌اید، نه فرزندان حقیقی.

به‌علاوه، همه ما پدران زمینی داشته‌ایم که تأدییمان می‌کردند، و ما به آنها احترام می‌گذاشتیم. حال، چقدر بیشتر باید پدر روحایمان را اطاعت کنیم تا حیات داشته باشیم.

پدران ما کوتاه‌مانی بنا بر صلاحدید خود، ما را تأدیب کردند. اما خدا برای خیریت خودمان ما را تأدیب می‌کند تا در قدوسیت او سهیم شویم.

هیچ تأدیبی در حین انجام شدن، خوشایند نیست، بلکه دردناک است. اما بعد برای کسانی که به وسیله آن تربیت شده‌اند، میوه آرامش و پارسایی به بار می‌آورد'. (عبرانیان 12: 5-11)

خدا به کسانی که از طریق خداوند عیسی مسیح به او تعلق دارند اهمیت می‌دهند آنها فرزندان و هستند و پدر دوست داشتنی برای آنهاست همانطور که پدران بشر که آنها را آموزش می‌دهند و آنها را تعدیل می‌کنند چون آنها را دوست دارند بنابراین خدا به فرزندان خود آموزش می‌دهد اگر اتفاقات سختی در زندگی ما رخ می‌دهد به عنوان آموزش معنوی توسط پدری که ما را دوست دارد بپذیریم پس قادر خواهیم بود در کنیم که حرف تجربه‌ای در زندگی ما می‌تواند به ما کمک کند و در هنگام حرکت به سمت پادشاهی خدا.

'می‌دانیم در حق آنان که خدا را دوست می‌دارند و بر طبق اراده او فرا خوانده شده‌اند، همه چیزها با هم برای خیریت در کار است'. (رومیان 8: 28).

مثالی از ایوب

در عهد عتیق زندگی و رنج های مردی به نام ایوب گفته شده. او مردی به نظر می رسید که همه چیز در زندگی داشت.

او در همه کارهایش از خدا می ترسید. (ایوب 1: 1)

تعداد زیادی فرزند داشت. (2: 1)

خیلی ثروت بسیار زیادی داشت. (1:3)

بسیار مورد احترام قرار می گرفت. (29:7-11)

زندگی او سرشار از کارهای خوب بود. (29:12-16)

با این وجود او به طرز هولناکی رنج برد. فرزندانش کشته شدند، ثروتش از بین رفت (1:13-19) و سرانجام سلامتی‌اش را از دست داد و به طور ناراحت‌کننده‌ای مریض شد. (2:6-8). پاسخ او به همه اینها این بود:

"آیا نیکویی را از خدا بپذیرند و بدی را نپذیرم؟" (ایوب 2:10).

اگرچه مردانی بودند که گلهای او را به سرقت برده بودند و با قباد بزرگی خانه‌ی او را خراب کرده و فرزندانش کشته شدند، او متوجه بود که تمام این رنج‌ها از طرف خداست. او متوجه شد که نمی‌تواند به خوبی فقط چیزهای خوب را از خدا بخواهد. این تصمیم او نبود که خدا باید چه کند.

آن زمان هر چند "رنجهای او خیلی بزرگ بود" و "او آرزو می‌کرد که خدا جانش را بگیرد" (6:9)، تنها راه حلی که او می‌توانست دریابد قبر بود. ایوب مانند خیلی از انسان‌ها، در نتیجه رنجها، به خدا گفت "چرا این اتفاق برای من افتاد؟".

"اگر گناه کرده‌ام، به تو چه کرده‌ام، ای پاسبان آدمیان؟ چرا مرا هدف تیر خود ساخته‌ای؟ آیا برای تو باری سنگین شده‌ام؟"

چرا نافرمانی‌ام را عفو نمی‌کنی، و معصیتم را دور نمی‌سازی؟ زیرا اکنون در خاک زمین خواهم خفت؛ آنگاه مرا خواهی جست و نخواهم بود. (ایوب 7:20-21).

رنجها و تهدیدها راههای مهمی به ارمغان می‌آورند که خدا در زندگی ما انجام می‌دهد. اما در مورد گناه خاصی سرزنش نمی‌شویم- در کتاب ایوب چیزی نبود که نشان دهد ایوب گناه کرده است گرچه همه دوستانش گفتند که باید چنین می‌شد. عذاب خدا این بود که از پیشرفت غرور معنوی جلوگیری کند، برای متوجه کردن او، گرچه او در طول زندگی‌اش یک خداترس بود، چیزی برای ارائه به خدا، جز پذیرش فروتنانه‌ی اراده او نداشت.

در انتهای کتاب مردی به نام الیهو تشخیص داد که ایوب به کسی نیاز دارد که قبل از خدا آن را توضیح دهد.

الیهو در مورد ایوب گفت:

اگر او را فرشته‌ای باشد، واسطه‌ای، یک از هزار، تا آنچه را برای انسان درست است به او اعلان کند،

و او را مورد لطف خویش قرار داده، بگوید: "او را از فرو رفتن به گودال برهان؛ زیرا برایش کفاره‌ای یافته‌ام."

آنگاه گوشت تنش چون طفل لطیف خواهد شد، و به ایام جوانی خویش باز خواهد گشت.

آنگاه از درگاه خدا تمنا خواهد کرد، و او وی را مستجاب خواهد نمود؛ با فریاد شادمانی روی خدا را خواهد دید، و خدا پارسایی وی را بدو باز خواهد گردانید.

سرودخوانان نزد مردمان آمده، خواهد گفت: "گناه کرده‌ام و حق را مخدوش ساخته‌ام، اما مرا سودی نبخشید.

او نفس مرا از فرو رفتن به گودال فدیة داد، و جان من روشنایی را خواهد دید". (ایوب 33: 23-28).

گرچه ما بسیار رنج می‌بریم، اگر واسطه‌ای وجود داشته باشد که علت آن را قبل از خدا بیان کند، آرامش و قبول چیزهایی که در زندگی اتفاق می‌افتد را احساس خواهیم کرد. و ما متوجه مشکلاتی که با آن روبرو هستیم می‌شویم غم‌ها تمام نمی‌شوند اما نجات در پادشاهی خدا خواهد آمد. نقش خداوند عیسی مسیح است؛ به واسطه‌ی ماست، او در دست راست خدای قادر مطلق است و برای دعای ما. ایمان به این، به ما کمک می‌کند با هر رنجی در زندگیمان روبرو شویم، همانطور که پلوس رسول نوشته:

'کیست که محکومشان کند؟ مسیح عیسی که مرد، بلکه برخیزانیده نیز شد و به دست راست خداست، اوست که برای ما شفاعت می‌کند!

کیست که ما را از محبت مسیح جدا سازد؟ سختی یا فشار یا آزار یا قحطی یا عریانی یا خطر یا شمشیر؟

چنانکه نوشته شده است: «ما همه روز، به‌خاطر تو به کام مرگ می‌رویم و همچون گوسفندان گشتاری شمرده می‌شویم.»

به‌عکس، در همه این امور ما برتر از پیروزمندانیم، به واسطه‌ی او که ما را محبت کرد.

زیرا یقین داریم که نه مرگ و نه زندگی، نه فرشتگان و نه ریاستها، نه چیزهای حال و نه چیزهای آینده، نه هیچ قدرتی،

و نه بلندی و نه پستی، و نه هیچ چیز دیگر در تمامی خلقت، قادر نخواهد بود ما را از محبت خدا که در خداوند ما مسیح عیسی است، جدا سازد. (رومیان 8: 34-39).

سرانجام هنگامی که خدا بزرگی و قدرتش را به ایوب نشان داد او فروتنانه این کلمات را گفت:

'گوش من درباره‌ی تو شنیده بود، اما حال چشمانم تو را می‌بیند؛ از این رو از خویشتن کراهت دارم، و در خاک و خاکستر توبه می‌کنم' (ایوب 42: 5 و 6)

ایمان عیوب توسط خدا با رنج مورد آزمایش قرار گرفت. از طریق آنها او به درک و فهم کاملتری از خدا دست پیدا کرد. آن زمان بود که او همه چیزش را خانواده، ثروت و سلامتی را از دست داده بود

و به این درک رسید که خدا تنها پناه او است، و تنها کسی است که می توانست به او کمک کند. او با رنج هایش به مانند خداوند عیسی مسیح تبدیل شد کسی که "از طریق رنج کامل شد".

فقر

وقتی خدا اسرائیل را برای بیرون آمدن از مصر را رهبری کرد و قوانین خود را در کوه سینا به آنها داد، دستور داد که چگونه به عنوان یک قوم با هم زندگی کنند. بعضی از این قوانین به نوعی طراحی شده بود که به کسانی که فقیر هستند و اطمینان دهد که با فقر خود کاملاً از بین نمیرود.

"اگر برادرت فقیر شود و محتاج تو گردد، از او مانند غریب و میهمان دستگیری کن تا بتواند در جوار تو زندگی کند. از او ربا و سود مستان، بلکه از خدای خود بترس، تا برادرت بتواند در جوار تو زیست کند." (لاویان 25: 35 و 36).

همسایگان ایشان اجازه نداشتند به خاطر بدبختیهایشان منفعت بگیرند خدا گفته:

"در خصوص برادرانتان بنی اسرائیل، کسی نباید بر دیگری بی رحمانه حکم براند." (لاویان 25: 46).

این به آن معنا نیست که افراد تنبل و نمی‌تواند کاری انجام ندهد و به سخاوت همسایگان خود متکی باشند؛ خدا به آدم دستور داده بود که برای غذا کار کنند و این اصل در سراسر کتاب مقدس صادق است، پلوس به جماعت تسالونیکي نوشت:

'زیرا حتی زمانی که با شما بودیم این حکم را به شما دادیم که «هر که نمی‌خواهد کار کند، نان هم نخورد» (دوم تسالونیکیان 3: 10).

با این حال، خدا می دانست که همیشه افراد فقیری وجود دارند و اعلام کرد که برادران و خواهران‌شان در کمک به آنها مسئولیت دارند.

'زیرا نیازمند از سرزمین شما رخت نخواهد بست. از همین رو، شما را فرمان داده می‌گویم: "دست خویش را بر برادران فقیر و نیازمند خود که در سرزمین شماست، بکشایید!" (تثنیه 15: 11).

خداوند عیسی مسیح این اصل را کاملاً درک کرد. ما در انجیل می‌خوانیم که او دستش را دراز کرد و به روش‌های مختلف مردم کمک کرد. در تثنیه 15 این اصل محقق شده، نشان داده شده است.

با این حال، ما دیده ایم که عیسی در دوران خدمت خود مشکلات اسرائیل را حل نکرد. مواردی وجود دارد که اوضاع در اواخر وزارت او بدتر از ابتدا بود زیرا مردم قلب خود را نسبت به پیام‌های بسته

بودند؛ ثروتمندان ثروتمندتر و فقیران فقیرتر شدند. رفع فقر تنها با بازگشت عیسی مسیح به زمین و برقراری پادشاهی خدا میسر می شود که در آن قوانین خدا توسط همه ملت ها دنبال میشود.

'زیرا او نیازمند را هنگامی که فریاد برمی کشد، رهایی می بخشد، و ستم دیده را، و کسی را که یآوری ندارد. بر بینوا و نیازمند ترحم می کند، و جان نیازمندان را نجات می بخشد'. (مزمور 72: 12 و 13).

این آموزه ها امروزه باید به عنوان الگوی راهی باشد که شاگردان ثروتمند برادران و خواهران فقیر خود کمک کنند. آنها نمی توانند فقرا را ریشه کن کنند، اما در صورت لزوم می تواند طوری عمل کند که تضمین کند کسی به خاطر فقر به نابودی کشیده نشود.

مسئولیت این امر قبل از هر چیز به عهده خانواده شاگردی است که مشکلی دارد. این همان چیزی است که خدا به اسرائیل آموخت، که اول خویشان آن فرد مسئول یاری رساندن به او بودند. (لاویان 25: 25). اگر امکان پذیر نیست شاگردانی که به یک کلیسا یا جمع تعلق دارند باید کاری که از دستشان برای برادران و خواهران فقیر و نیازمند خود قابل انجام است را انجام دهند. در نهایت، اگر احتیاج به کمک بیشتر از جاهای دیگر داشتند باید تقاضای کمک کنند، ولی فقط با تایید کلیسای خودشان.

صندوق رفاه CBM

خیلی از دانش آموزان این دوره متوجه خواهند شد که "Christadelphian Bible Mission" یک صندوق رفاه دارد و دانستن در مورد چگونگی عملکرد آن مهم است.

- صندوق رفاه برای کمک به برادران و خواهران نیازمند ایجاد شده. این صندوق به دانش آموزانی که غسل تعمید داده نشده اند و در حال گذراندن کلاس ها هستند کمکی نمی کند. دلیل این امر این است که آنها به یک دلیل اشتباه دوره کلاسهای بائبل را می گذرانند و غسل تعمید می شوند- آنها با انجام این کار به دنبال منفعت مالی هستند. این چیز جدیدی نیست رسولان هم در زمان موعظه هایشان مشکلات مشابهی داشتند. (اعمال رسولان 8).
- کمکهای صندوق در موقعیت های واقعاً اضطراری، جایی که کمک دیگری در دسترس نباشد ارائه می شوند. به طور کلی برای معالجه فوریت های پزشکی یا برای قحطی وجود دارد. به عنوان یک پرداخت منظم برای بالا بردن سطح استاندارد زندگی افراد داده نمی شود.

- تصمیمات مربوط به کمک صندوق توسط برادران ارشد همونجام گرفته می‌شود به عنوان کسی که شرایط را به خوبی می‌داند.

پاسخ کتاب مقدس

تنها جواب درست به مشکلات، رنج‌ها و فقر، آمدن عیسی مسیح و برقراری پادشاهی خداست. وقتی عیسی بیاید به شاگردان واقعی زندگی ابدی می‌دهد کسانی و با او همیشه زندگی و سلطنت می‌کنند. هر مشکلی که ما با آن روبرو هستیم در مقایسه با چیزی که منتظرش هستیم ناچیز است، چیزهایی که خدا وعده آنها را داده به کسانی که او را دوست دارند و دستوراتش را انجام می‌دهند.

" من صدای بلند را از عرش شنیدم که می‌گوید،

ببین، محل زندگی خدا با انسان است.

او با آنها زندگی خواهد کرد، و با آنها قوم او خواهند بود، و خود خدا به عنوان خدای آنها با آنها خواهد بود.

او هر اشکی را از چشمانشان پاک می‌کند، و مرگ دیگر نخواهد بود،

دیگر سوگواری، گریه و درد وجود نخواهد داشت،

زیرا چیزهای قبلی تمام شده اند."

سوالات

1. بزرگترین اثبات برای اینکه خدا به دنیا اهمیت می‌دهد چیست؟

2. عیسی چه کاری برای نجات دنیا از رنج و گناه انجام داد؟
3. نوع دید یک شاگرد نسبت به رنج در زندگی اش چگونه باید باشد؟
4. چرا خدا عیوب را مورد رنج قرار داد؟
5. چه موقع رنج و فرد به طور کامل از بین می‌رود؟
6. از لوقا 21: 1-4 چه درسی می‌گیریم؟